

روایت درگیری با یک شکارچی غیرمجاز تفنگت رازمین بگذار



می کرد، ولی همه انرژی مان را گذاشتیم و بعد از سه ساعت تعقیب و گریز، بدون این که ما را ببینند به نقطه ای رسیدیم که می توانستیم برای دستگیری شان اقدام کنیم. فاصله نزدیک ۱۵ متر بود و آنها جلوتر از ما نشسته بودند که استراحت کنند. با همکاری از دو سمت به طرفشان رفتیم. به فاصله ده متری که رسیدیم، ایست دادیم و تیر هوایی زدیم. نزدیک پنج بار ایست کشیدیم و گفتیم بخوابید روی زمین، ولی فایده ای نداشت. اسلحه اش را مسلح و از فاصله نزدیک شروع به شلیک به ما کرد. اول می خواست مرا بزند، ولی چون دید دست خالی هستم، اسلحه را به سمت همکاری گرفت. یک شلیک کرد که خورد زیر پایش، شلیک دوم هم از کنار سرش رد شد. اگر همکاری را زده بود، بلافاصله مرا هم می زد. مطمئن بودم. این شکارچی چند سال پیش هم با یک کلاشینکف و دو تا قوچ دستگیر شده بود و از هیچ چیز نمی ترسید. در نهایت همکاری به سمتش شلیک کرد. تیر از ساعد دست چپش وارد و از بازویش خارج شد. همان لحظه من اسلحه اش را گرفتم و دستگیرش کردیم، ولی دوستش فرار کرد.

نهم فروردین ۹۶ سومین روزی بود که در یک منطقه جدید به نام آلمه به عنوان محیطبان خدمت می کردم. همکاری هم دومین روزش بود که آنجا خدمت می کرد. در منطقه در چادر مستقر شدیم و من از آنجایی که خسته بودم، دراز کشیدم. ناگهان یک صدای آرام مانند کف زدن شنیدم. بلند شدم و از همکاری پرسیدم تو صدای تیر شنیدی؟ گفت نه. همین که نه را گفت، صدای شلیک پشت سر هم چهار گلوله آمد. از صدای شلیک متوجه شدم که اسلحه جنگی است. دوربین کشی کردیم و در کمتر از یک دقیقه محل شکارچی ها را پیدا کردیم. دو شکارچی بودند که با کلاشینکف به یک قوچ تیر زده بودند و یکی از آنها داشت دنبال حیوان تیرخورده می دود. همکاری تفنگش را برداشت و رفتیم دنبالشان. رسیدیم به نقطه ای که به حیوان تیر زده بودند و خون حیوان را دیدیم. هر دویشان کوله پشتی داشتند، دست یکی از آنها اسلحه بود و دست دیگری دوربین شکاری. از مسیر حیوانات (مال رو) فرار می کردند و ما به خاطر این که جلوییشان در بیاییم، از دره ها پایین می رفتیم و از کوه ها بالا می آمدیم. آن قدر بالا و پایین شدیم که عضلات پام داشت قفل



شود. در مواجهه با حیوانات وحشی، باید مسیرتان را عوض کنید و از یک جای دیگر بروید. «همین کاری که ما محیطبانان هم انجام می دهیم. مطمئن باشید در این صورت حیوانات به شما حمله نمی کنند. آنها دارند زندگی شان را می کنند و اصلا از آدم ها می ترسند، چون آدم روی دو پایش راه می رود و این برای آنها عجیب و ترسناک است.»

شکار مساوی بلاک

محسن می گوید تا چند سال پیش کسی شغل محیطبانی را نمی شناخت، ولی الان وضعیت بهتر است و به ویژه فضای مجازی کمک زیادی به شناساندن محیطبانی به مردم کرده است. «صفحه اینستاگرام من دو سالی است که راه اندازی شده و بیشتر عکس و فیلم هایی که در آن می بینید را خودم گرفته ام. برای گرفتن این عکس و فیلم ها سختی زیادی کشیده ام و در

و بزر را داریم. در منطقه تپه ماهور هم گله های بزرگ قوچ و میش اوریال را داریم که از گونه های خاص جهان است و حیوانات بسیار زیبایی هستند. در منطقه دشتی هم آهو داریم. با توجه به ویژگی های خاص این منطقه و البته سایر جنگل های کشور، مردم برای مواجهه با حیات وحش به آموزش های ویژه ای نیاز دارند، آموزش هایی که می توان بخشی از آن را در صحبت های این محیطبان جوان یافت. «مناطق حفاظت شده زیر نظر سازمان محیط زیست، تنوع جانوری بالایی دارد و حیوانات وحشی زیادی در آن یافت می شود. در حیات وحش قانون جنگل حاکم است و باید قوی باشی تا خورده نشوی. به همین دلیل توصیه می کنم که اگر از حیوانات می ترسید، اصلا به طبیعت بکر و حیات وحش وارد نشوید. این مهم ترین نکته است. اگر هم رفتید، به مناطق حفاظت شده نروید و از جنگل های آزاد برای طبیعت گردی استفاده کنید. در این جنگل ها آن قدر



برف و باران و سرما و گرما عکاسی کرده ام. خیلی وقت ها با بچه ها ساعت ها دوربین کشی کرده ایم که بتوانیم یک عکس یا فیلم خوب از حیات وحش بگیریم. اوایل کسی ما را نمی شناخت، اما الان دیگر صفحه شناخته شده و مخاطبانم زیاد شده اند. «این محیطبان جوان می گوید انرژی مثبت زیادی از دنبال کنندگان صفحه می گیرد و همه راضی هستند. «حتی چند مورد بوده که افرادی شکارچی بوده اند و با دیدن چند عکس و فیلم دیدگاهشان تغییر کرده و در این کار تجدیدنظر کرده اند. یا خیلی ها زباله ریختن در طبیعت از نظرشان بسیار عادی بود، ولی تلاش می کنم محتواهایی آماده کنم تا نظر این افراد هم تغییر کند و به اهمیت حفظ محیط زیست پی ببرند.» محسن این روزها در حال تحصیل و بالا بردن

انسان ها و دام ها وجود دارند که حیوانات وحشی در آنها زندگی نمی کنند. اما اگر هیچ جوری نمی خواهید بخیال مناطق حفاظت شده شوید و حتما بروید، محسن یک توصیه عجیب دارد. «به خودتان ادکلن بزنید. به خاطر این که حیوانات بو را خوب حس می کنند و اگر ببینند بوی جدید در منطقه هست، خودشان فرار می کنند و اصلا به سمت شما نمی آیند. وقتی دارید راه می روید با دوستان یا حتی اگر تنها هستید با خودتان بلندبلند صحبت کنید. این باعث می شود حیوانات متوجه حضور شما شوند و به سمتتان نیایند. جایی که نشسته اید، آتش روشن کنید و کاملاً هوشیار باشید.» محسن می گوید اگر می بینید یک خرس یا پلنگ با توله اش جایی نشسته، اصلا دلیلی ندارد که به سمت آن بروید و وارد قلمرویش

آگهی مزایده

آموزشگاه علمی تخصصی شهید چمران ناجا در نظر دارد، تعدادی از اماکن خدماتی خود را از قبیل بوفه، خیاطی، عکاسی و زمین کشاورزی در قالب اجاره واگذار نماید. آدرس: استان البرز، کرج، جاده قزل حصار، روبروی زندان قزل حصار، آموزشگاه چمران

شماره ۰۹۳۷۱۶۷۱۶۱۷
رئیسوندی ۰۹۱۶۶۶۷۹۵۳۸